بيانات معظم له در ديدار كارگزاران نظام و مدعوين خارجي كنفرانس بين المللى وحدت اسلامى - 13 /مرداد/ 1375

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحيم
بنده هم متقابلاً اين عيد سعيد را كه ولادت نبىّ مكرّم و معظّم اسلام صلى‌الله عليه و آله و سلّم و همچنين مولود مبارك امام صادق عليه‌الصّلاة والسّلام است، به شما حضّار محترم و به همه‌ى مسلمين عالم و آزاديخواهان و آزادگان جهان، تبريك عرض مى‌كنم و به ميهمانان اين هفته هم كه از مناطق ديگر عالم به كشور اسلامى آمده‌اند، خوشامد مى‌گويم.
اين ولادت بزرگ، ولادت برترين نمونه‌هاى رحمت الهى براى بشريت بود ؛ چون وجود آن بزرگوار و ارسال اين پيامبر بزرگ، رحمت حق تعالى بر بندگان بود. اين ولادت، ولادت رحمت است. دنياى اسلام بايد اين نكته را درك كند كه اين رحمت، يك رحمت منقطع نيست ؛ بلكه يك رحمت مستمر است. آن روز، بسيارى از افراد بشر، از روى جهالت يا به خاطر عصبيتهاى خودخواهانه، با اين مظهر نور و هدايت بشر جنگيدند ؛ با اين‌كه پيامبر (ص) براى برداشتن بار از روى دوش بشريت، به جهان آمده بود: «و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التى كانت عليهم» (55). چه بارهاى سنگينى بر دوش آحاد بشر آن روز بود! چه غلهاى سنگينى بر گردن بشر افكنده شده بود! امروز هم همين‌طور است. اگر كسى ادّعا كند كه بر دوش بشريت امروز، بارهايى سنگينى مى‌كند كه از بار دوش انسانهاى جاهل جزيرةالعرب در آن روز، سنگينتر است، سخن گزافى نگفته است. اين ظلمى كه به آحاد بشر مى‌شود، اين حق‌كشى‌اى كه در جوامع بشرى انجام مى‌گيرد، اين غلبه دادن ماديّت بر زندگى بشر و راندن معنويت از محيط زندگى انسانها كه امروز به زور و با شيوه‌هاى مختلف بر آحاد بشر تحميل مى‌شود، اينها بار بر دوش بشريت است. آنچه كه امروز بشريت در دوران تمدّن صنعتى و زير تشعشع مادّيگرى جذّاب و فريبنده احساس مى‌كند، سنگينتر و سخت‌تر و - در مواردى - تلختر است از آنچه كه در ظلمات جاهليت هنگام ظهور اسلام، حس مى‌كرد و بر دوش او سنگينى مى‌نمود!
اگر امروز بشريت متوجه اين رحمت شود - رحمت وجود اسلام، رحمت تعاليم نبوى، اين سرچشمه‌ى جوشان وحدت - و آن را بيابد و خود را از آن سيراب كند، بزرگترين مشكل بشر برطرف خواهد شد. اگرچه همين امروز هم، تمدّنهاى موجود عالم، بلاشك از تعاليم اسلام بهره‌مند شده‌اند و بدون ترديد آنچه از صفات و روشهاى خوب و مفاهيم عالى در بين بشر وجود دارد، متّخذ از اديان الهى و تعاليم انبيا و وحى آسمانى است و بخش عظيمى از آن، به اسلام متعلق است ؛ ليكن امروز بشر به معنويت و صفا و معارف روشن و حق و دلپذير اسلام - كه هر دل با انصافى آن معارف را مى‌پذيرد و مى‌فهمد - نيازمند است. لذاست كه دعوت اسلامى در جهان، طرفدار پيدا كرده است و بسيارى از غير مسلمين هم دعوت اسلامى را پذيرفته‌اند. پذيرش دعوت اسلام، به معناى پذيرش دين اسلام به طور رسمى نيست. اين، يك مرحله از آن است. يك مرحله‌ى ديگر اين است كه مردم جهان، پيام و معارف و حقايق و پيشنهاد اسلام در يك مسأله را بپذيرند. امروز آن روزى است كه وقتى ملتها در مقابل پيام اسلام قرار مى‌گيرند، احساس چيزهايى مى‌كنند كه براى آنها مفيد است و خلأهاى زندگى آنها را پر مى‌كند. آنچه اسلام در مورد ارزش و اهميت و اهداف انسان بيان مى‌كند، آنچه اسلام در مورد خانواده و زن و هدف علم و روابط جوامع با يكديگر و مناسبات اجتماعى اقويا و ضعفا با هم مى‌گويد، چيزهايى است كه امروز مردمى كه در زير تمدّنهاى گوناگون زندگى مى‌كنند، وقتى به اينها نگاه مى‌كنند، احساس مى‌نمايند كه گره‌هاى زندگيشان با اين چيزها باز و برطرف خواهد شد. لذا پيام اسلام پرجاذبه است. به همين دليل هم است كه برخورد استكبار جهانى و دستگاههاى تبليغى عالم - كه به همان مراكز زورگويى و ظلم و انسان ستيزى وابسته‌اند هستند - با پيام اسلام، يك برخورد خشن بسيار خصمانه است.
از وقتى كه نظام جمهورى اسلامى - كه نشان دهنده‌ى تحقق اسلام در سطح زندگى يك كشور و نشان دهنده‌ى تحقق پيشنهاد سياسى اسلام است - در عالم تحقق پيدا كرد و جمهورى اسلامى در ايران به وجود آمد، خصومت با اسلام و ارزشهاى اسلامى در سطح جهان، از سوى قدرتهاى ستمگر و مستكبر مضاعف شد. تا وقتى كه اسلام فقط در

مساجد و در کنج دلهاست، تا وقتی که اسلام قدم در صحنه‌ی سیاست و مبارزه و حکومت و صحنه‌های عظیم بین‌المللی نگذاشته است، مراکز ظلم و طغیان جهانی، از آن احساس خطری نمی‌کنند که بخواهند با آن در بیفتند و پنجه بیندازند. از روزی که نظام اسلامی، پرچم حکومت را در این کشور بلند کرد و مسلمین از اقطار عالم، به ندای امام راحل عظیم ما رضوان الله علیه پاسخ گفتند و به سمت آن اظهار ارادت و علاقه کردند و گروههای زیادی در این جهت حرکت کردند و شعار احیای مجدّد اسلام، برای مسلمین یك شعار روز شد، دشمنیها هم بیشتر گردید.
آنچه که من در این ایام و در این هفته و به مناسبت این ولادت بزرگ می‌خواهم عرض کنم، این است که اوّلاً مسلمانان باید قدر این چشمه‌ی جوشان رحمت را بدانند و تبلیغ دشمن و برخورد خصومت آمیز و فتنه‌انگیزی استکبار، آنها را از این حقیقت روشن و درخشان منصرف نکند.
نکته‌ی دوم این است که استکبار از روزی که احساس کرد این حقیقت در ایران پایدار و مستقر و متمکن شده است و فهمید که نمی‌تواند آن را ریشه‌کن کند و این نهضت و حرکت و بنا را از بین ببرد، تلاش خصمانه‌ی خود را طور دیگری شروع کرد و آن این بود که مسلمین عالم را از این انقلاب و از این ملت و از این رهبری عظیم و حکیمی که دنیا به عظمت او اعتراف کرده بود، جدا کند ؛ یعنی جداسازی ملتهای دیگر از ملت ایران ؛ جدا سازی زمینه‌های مستعد حیات اسلامی از این حرکت بالفعل و موجود که می‌توانست مشوّق آنها شود ؛ جدا کردن کشورهای عربی و غیر عربی ؛ جدا کردن کشورهایی که نظامها و رژیمهای آنها، ارتباطات دوستانه‌ای با استکبار و مراکز استکباری دنیا داشتند. اینها را در برنامه‌ی جدّی خود - در سطح سیاسی و دولتی و حکومتی - قرار داد و متأسفانه در این سطح، برخی از دولتها کاملا فریب و بازی خوردند و در دامی که برای آنها گسترده شده بود، افتادند.
استکبار می‌خواست دولتها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولتها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود ؛ اما بعضی از دولتها، بدون توجّه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملتها هم مسأله‌ی اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنّی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیّع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد. عدّه‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متاسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسأله این است.
آن روحانی نمایی که در یك کشور دوردست، به عنوان خطبه‌ی جمعه یا غیر جمعه می‌ایستد و به جای این‌که به آمریکا و اسرائیل و دشمنان دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه‌ای از فرق مسلمین حمله می‌کند ؛ این کار ساده و بی‌مقدّمه و بی‌ارتباط به حیات دوباره‌ی اسلام نیست. آن کسی که علناً و آشکارا، مقدّسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملتهای مسلمان از ملت ایران، یکی از هدفهای مشخّص و تعریف شده‌ی استکبار است. روی این، برنامه‌ریزی و کار و سیاستگذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متاسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند.
داخل ایران هم مواردی وجود دارد ؛ چون می‌بینند در ایران برادران مسلمان شیعه و سنّی، در یك صف واحد، در زیر یك پرچم واحد، با یك شعار واحد، در یك جبهه‌ی واحد، در کنار هم و با هم هستند. در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند ؛ از همه جا رفتند. در ایران، خونها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یك اتّحاد و یك الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد. استکبار، نمی‌تواند این را ببیند. برای هر فرقه‌ای، بهانه‌یی درست می‌کنند. ساده‌ترین و فریب بخورترین افراد را در هر فرقه‌ای پیدا می‌کنند و چیزی در دهانش می‌گذارند، تا برود آنچه را که او می‌خواهد، برایشان تکرار کند! همه باید مراقب باشند. هر کسی که امروز به این هدف استکبار کمك کند - یعنی ملت ایران را از ملتها و کشورهای دیگر جدا کند - در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام جنگیدند ؛ چه امروز و چه در زمان پیامبر. «کان حقیقاً علی الله ان یدخله مدخله» (56) هر کس که امروز به هدفهای استکبار در قبال ایران اسلامی کمك کند، مثل همان کسی است که در زمان ظهور و نزول اسلام، با آیات الهی جنگید.

امروز این حرکت، حرکتی به سمت احیای اسلام و زنده کردن احکام منزوی شده‌ی اسلام و قرآن است. این حرکت، حرکت عظیمی است که در این‌جا اتفاق افتاده است. مسلمانان در همه جا می‌خواهند این حرکت را انجام دهند. اگر به کشورهای اسلام در شرق و غرب دنیای اسلام نگاه کنید، این واقعیت را مشاهده می‌کنید ؛ منتها استکبار جهانی، امریکا، کمپانیهای گوناگون و صاحبان زر و زور مانع هستند. آن جایی که تسلیم زر و زور نشده است و نمی‌شود ؛ آن جایی که همه‌ی قدرت ملی در مقابل استکبار قرار گرفته است، ایران اسلامی است.

این هفته‌ی وحدت، این هفته‌ی مشترك الاحترام بین مسلمین را قدر بدانید. همه سعی کنند وحدت و اتحاد نیروها و در یك جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمین را - که رمز سعادت و مایه‌ی سربلندی مسلمین و بزرگترین حربه‌ی ملتها در مقابل استکبار جهانی است - مغتنم بشمارند و قدر بدانند.

امیدواریم که ان‌شاءالله ادعیه‌ی زاکیّه حضرت بقیةالله ارواحنافداه شامل حال حرکت کنندگان در این راه باشد و همه‌ی مسلمین در اقطار عالم، توفیق پیدا کنند به آیات شریفه‌ی قرآن و دستور اعتصام به حبل‌الله جمیعاً عمل کنند و ان‌شاءالله وحدتی را که مورد آرزوی شخصیتهای بزرگ اسلامی از اوّل تا امروز بوده است، جامه‌ی عمل بپوشانند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

55) اعراف: 157

56) بحارالانوار، ج 44، ص 382